

تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی

(بازنمایی الگوهای پست مدرن، تجددگرا، سنتی، درحال گذار، اسلامی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱

باقر ساروخانی^۱، امید علی احمدی^۲، داود صفا^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازنمایی و تفسیر الگوهای خانواده از نظر همسرگزینی، به بازخوانی و طبقه‌بندی متون برآمده از مصاحبه‌های عمیق که حاصل تفسیر برآمده از تجربه زیسته کنشگران (دختران جوان شهرقم) می‌باشد، پرداخته است. با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و چارچوب نظری جامعه‌شناسی تفسیری، اعم از نظریه گفتمان و نظریه سازه‌اجتماعی دیوید چیل، پنج الگوی «خانواده پست مدرن»، «خانواده تجددگرا»، «خانواده درحال گذار»، «خانواده سنتی»، «خانواده اسلامی» که حاصل گفتمان‌های متناظر با آنها در جامعه کنونی است، به‌عنوان الگوهای خانواده در جامعه کنونی بازنمایی شد.

با توجه به یافته‌ها این نتیجه حاصل شد که هر یک از الگوهای خانواده، متأثر از خاستگاه‌های متنوع و گفتمان‌های پیدا (همسو با قدرت سیاسی) و پنهان (متعارض با قدرت سیاسی) هستند که متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ظهور یافته‌اند و برخلاف برخی ویژگی‌های مثبت آن، با آسیب‌هایی نیز مواجه‌اند، اما الگوی خانواده اسلامی مزایا و ویژگی‌های بالقوه‌ای دارد که می‌توان آن را به‌عنوان الگوی مناسب معرفی کرد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، گفتمان خانواده، الگوهای خانواده،

همسرگزینی، الگوی اسلامی.

۱. استاد تمام جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

Email: saroukhani@yahoo.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، آشتیان، ایران.

Email: omidaliahmadi@gmail.com

۳. دکتری جامعه‌شناسی، مدرس جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: davood_safa@yahoo.com

در تفسیر تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی باید گفت که اهمیت نهاد خانواده چنان است که نویسندگان پست مدرنی نظیر چیل، معتقد است فروپاشی خانواده بخش کوچکی از فرآیند وسیع تر فروپاشی فرهنگی است (استیل، وکید، ۱۳۸۸). برگس (۱۹۲۶) بیان می‌کند: «خانواده باید به مثابه دغدغه‌ای دائمی، بیشتر مبتنی بر وحدتی طبیعی و برخاسته از تعاملات شخصی میان اعضای آن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا متکی بر تلاش‌هایی برای تحمیل تکالیف خانوادگی بر اساس قانون» (به نقل از برناردز، ۱۳۸۴). بر مبنای این دیدگاه، توجه به خانواده به صورت مسئله‌ای گفتمان محور از دغدغه‌های اندیشمندان حوزه خانواده است و ظهور گفتمان‌های مختلف و تغییر خانواده امروزه امری واقعی است. از این رو، نابهنجار انگاشتن شکل و قالبی خاص، به دلیل متفاوت بودنش شانه خالی کردن از زیر بار وظایف پیش رو است. (ادامز، ۱۹۷۱، به نقل از برناردز، ۱۳۸۴). بنابراین، وجود گفتمان‌های مختلف، هرچند پنهان و معارض با قدرت و عرف اجتماعی در جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای آنها تمهیدی نیاندیشید.

در این بین تشکیل خانواده برای اعضای جوامع، بزنگاه مهم و گذرگاه بسیار تأثیرگذار و نقطه عطف مهمی در زندگی است. ازدواج، پیوندی الهی است که برای زن و شوهر مایه آرامش (ر.ک: روم: ۲۱) و زمینه‌ساز کمال معنوی است. رخداد ازدواج، اهمیت نمادین زیادی در جامعه دارد و جامعه با رسمیت بخشیدن به شکل و ماهیت ازدواج، دیدگاه روشنی را درباره تمایلات جنسی ابراز می‌کند. به تعبیر گیدنز، در میان تغییراتی که این روزها در جریان است اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی - حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است (گیدنز، ۱۳۸۶).

تحولاتی که در زمینه ازدواج رخ داده است، سبب تصادفی شدن تشکیل خانواده و از بین رفتن الگوهای سنتی در انتخاب همسر و گفتمانی شدن تشکیل خانواده شده و گفتمان‌های رقیبی را در این عرصه به وجود آورده است که به عنوان مسئله‌ای اجتماعی باید مورد بررسی قرار گیرد؛ مسئله‌ای که می‌توان از آن به عنوان نوع جدیدی از گسست نسلی یاد کرد (گسست نسلی افقی). این مسئله بیش از هر عامل دیگر گسستی فرهنگی

تلقی می‌شود گسستی که فقط شامل اختلافات عمودی میان نسلی نیست، بلکه این مناسبات در سطح افقی بر اساس دو رویکرد سنتی و مدرن قابل بررسی است (مددیور، ۱۳۸۲). این موضوع سبب شده است که حتی اگر امکانات و شرایط لازم برای ازدواج توسط دولت فراهم باشد، باز هم مشکل تناقض و تضاد گفتمان‌ها به‌عنوان عاملی مهم سبب کاهش تمایل به تشکیل خانواده و یا تأخیر ازدواج شود.

با پذیرش این گزاره‌ها نخست باید توصیفی از تغییر خانواده ارائه شود و بر مبنای آن پرسش‌های اساسی در زمینه بروز و ظهور گفتمان‌های مدرن و نقش آنها در جامعه بررسی گردد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بازنمایی، تفسیر و معناشناسی گفتمانی الگوهای خانواده، درباره ترکیب، تشریفات و الگوهای همسرگزینی در عصر کنونی با توجه به خاستگاه‌های بروز و ظهور آنها، و ارائه گونه‌شناسی با توجه به تنوع و گوناگونی در گفتمان‌های موجود نسبت به این موضوع، انجام گرفته است. بنابراین، با شناسایی مهم‌ترین عناصر و مشخصه‌های هر گفتمان، با توجه به پیش‌زمینه و خاستگاه‌های آنها و چگونگی برساخته شدن روابط مربوط به هر یک از الگوهای خانواده از سوی گفتمان‌ها، در نهایت الگوی برتر در عرصه همسرگزینی معرفی شده است.

همچنین این سؤالات که از نگاه کنشگران اجتماعی، واقعیت اجتماعی (مناسبات همسرگزینی) و مسائل مرتبط با آن چگونه و با چه دلایلی در قالب گفتمان‌های مختلف بیان و برساخته شده و چگونه معنا می‌شود و پیامدها و آسیب‌های حاصل از عملکرد گفتمان‌های مختلف در این مورد چیست؟ پاسخ داده شده است.

مطالعه جامعه‌شناسی خانواده، حکایت از تغییرات گسترده‌ای در این حوزه در طی نیم قرن اخیر در سراسر جهان دارد؛ تغییراتی که عوامل متعددی منجر به بروز آنها شده و در عین حال پیامدهای گوناگونی برای جوامع متعدد در پی داشته است. یکی از این تغییرات ظهور نگرش‌ها و الگوهای مختلف همسرگزینی است. عرفان منش (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان»، ضمن بازخوانی متون و طبقه‌بندی آنها، به بازنمایی دو الگوی خانواده مدرن مدنی و ایرانی-اسلامی که حاصل دو طیف غالب

از نظریه‌پردازی‌های مطالعات اجتماعی خانواده در ایران هستند، پرداخته است. طبق یافته‌های این تحقیق با وجود ویژگی‌های مثبت که در الگوی مدرن مدنی شناسایی شده است، الگوی خانواده ایرانی - اسلامی مزایای بیشتری دارد. نتایج تحقیق علی احمدی (۱۳۸۹) درباره تحولات موجود در عرصه خانواده نشان داد که «نوع ساختاری»، «کاهش نقش حمایت‌گری شبکه خویشاوندی»، «فردگرایانه شدن ازدواج»، «گسترش روابط پیش از ازدواج»، «افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی»، «کاهش گفتمان خانواده‌گرایی»، «افزایش آسیب‌ها و اختلالات خانوادگی»، «افزایش مناسبات جنسی بیرون از خانواده»، «کاهش کارکردهای خانواده» و «کاهش اهمیت فرزندآوری ناخواسته» به عنوان روندهای رو به گسترش در زندگی خانوادگی تهرانی‌ها ایجاد شده است. همچنین آزاد ارمکی، زند و خزایی (۱۳۷۹) در پی بررسی میزان و سمت‌وسوی تغییرات خانواده ایرانی طی سه نسل گذشته، معتقدند که در خانواده تهرانی تغییراتی پدید آمده است؛ نگرش‌های افراد در خانواده نسبت به مسائل عمده‌ای همچون ازدواج، روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، مهریه و جهیزیه، مراسم عروسی، طلاق و... تغییر کرده است. در عین حال، در بین مردم تهران، هنوز خانواده امر اجتماعی مهمی تلقی شده و برای حفظ و بقای آن تلاش می‌شود. همچنین تحولات خانواده با وجود نسل جدید در کنار نسل‌های دیگر در جهت انطباق‌پذیری با شرایط جدید اجتماعی - فرهنگی ایران و جهان است.

همچنین سمیعی (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان خانواد در بحران کشاکش الگوهای سنت و نوگرایی، بیان کرده است که در طیف سنت و مدرنیته پدیده‌ای به نام «مدرنیته متأخر» وجود دارد که بحران در خانواده ایجاد کرده است. از نظریه خانواده در غرب به سه دلیل اصلی؛ نظام سرمایه‌داری نولیبرال، نگرش فمینیستی رادیکال و فردگرایی افراطی، دچار بحران شده و رو به فروپاشی است. وی نتیجه می‌گیرد که جامعه ایران در فراز و فرودهایی که در تاریخ غرب وجود داشته، قرار نگرفته است و فقط به دلیل تقلید و الگو گرفتن از غرب بدون اینکه آن فرآیند تاریخی طی شود، در بحران قرار گرفته است. از نظر او جامعه ایران از دو لایه مختلف تشکیل شده است؛ لایه پید و پنهان. این لایه‌های پید و پنهان گاه با هم تعامل و گاهی نیز تضاد دارند. ایشان نشان داده است که چگونه در این تعامل‌ها و تضادها،

خانواده قربانی شده است.

تومتون و لین (۱۹۹۴) تحول الگوهای خانواده و ازدواج را نیز با جریان صنعتی شدن و مدرنیزاسیون بررسی کرده‌اند و تحولات حاصل از این جریان‌ها را عامل اصلی کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در همسرگزینی می‌دانند؛ فرآیندی که در نهایت به کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته از جمله خویشاوندی منتهی خواهد شد؛ تحول در موقعیت زنان از نظر تحصیلات، از جمله عواملی است که آنان را به پذیرفتن الگوی سنتی هدایت می‌کند (ایران محبوب... و مختاری، ۱۳۸۵).

پژوهش حاضر از روش تحلیل گفتمان و نتایج برآمده از تجربه زیسته کنشگران بهره گرفته است و در ضمن شناسایی الگوهای پنج‌گانه خانواده، آنها را با یکدیگر مقایسه نموده و الگوی برتر را معرفی کرده است. همچنین برای غنای یافته‌ها از روش تحلیل گفتمان ترکیبی، از نظریات گفتمان فرکلاف، لاکله، موفه و جیمز پال‌گی استفاده کرده است که می‌توان این موارد را از نقاط نوآورانه مقاله حاضر برشمرد.

۲-۱. چارچوب نظری

نخستین شرط ضروری برای تحلیل گفتمان، تعیین چارچوب نظری است (تاجیک، ۱۳۷۸). نگرش اصلی پژوهش حاضر (برای فهم معنای خانواده در ذهن و گفتار، تجربه زیسته دختران در معرض ازدواج از منظر خودشان) مبتنی بر چارچوب جامعه‌شناسی تفسیری و تلفیقی از «نظریات گفتمان» و «نظریه‌سازه اجتماعی» دیوید چیل است. جامعه‌شناسی تفسیری به مطالعه معانی‌ای می‌پردازد که از سوی افرادی که در ساختار در حال تکوین زندگی روزمره به کنش می‌پردازند؛ بدان داده می‌شود؛ از این نظر انسان‌ها نیز موجوداتی نمادین هستند. افراد، با دستکاری علائم و نمادها در فرهنگ خود در جستجوی تعریف آنچه در اطرافشان می‌گذرد، هستند و این کار اغلب با استفاده از زبان که در ماهیت خود، نمادین است، انجام می‌شود. انسان‌ها موجوداتی فعال‌اند؛ آنها با کنترل کنش‌های خود، واجد چیزی هستند که بدان عاملیت گفته می‌شود. انسان‌ها محصول فرهنگ‌اند، اما خودشان نیز در آن نقش فعالی دارند. تعریفی که هر یک از موقعیت‌های اجتماعی که شامل خانواده هم می‌شود، صورت می‌گیرد؛ محصول معانی مشترک افرادی است که در

کنش متقابل رویاروی یکدیگر قرار می‌گیرند (استیل، و کید، ۱۳۸۸).

گفتمان، قالب‌های مشترک گفتاریا زبان است که بنا به ماهیت‌شان مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها را بیش از دیگر ایدئولوژی‌ها حفظ و از آنها حمایت می‌کنند (برنارد، ۱۳۸۴). گفتمان، شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است (یورگنس، و لوئیز، ۱۳۸۹). نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان، همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پسا ساختارگرا است؛ یعنی دسترسی انسان به واقعیت همواره از طریق زبان است. انسان با کمک زبان بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کند که به هیچ وجه بازتابی از واقعیت از پیش موجود نیستند؛ در حقیقت زبان در برساختن واقعیت نقش دارد. بنابراین، نسبت دادن معنا به پدیده‌ها در چارچوب گفتمان‌ها موجب برساختن و تغییر جهان می‌شوند (یورگنس، و فیلیپس، ۱۳۸۹).

شوتر، وینچ، داگلاس، رکس و گیدنز، در مورد اهمیت تولید زبان فنی از زبان عرفی و منطق آن توافق دارند؛ یعنی دانشمند علوم اجتماعی برای نفوذ در شکلی خاص از زندگی به لحاظ هرمنوتیکی، ابتدا باید مفاهیم عرفی را درک کند و نظریه‌های اجتماعی باید بر اساس مفاهیم روزمره ساخته شوند (بلیکی، ۱۳۹۱). گفتمان، ساخته شده از زبان است، اما تأثیر فرازبانی دارد. زبان در همه سطوح اجتماعی در پی ایجاد نظم و تغییر است (ون داک، ۱۳۸۲). بنابراین، گفتمان هم ساخته شده و هم سازنده است. ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند (یورگنس، و فیلیپس، ۱۳۸۹).

برای نحوه ساخت یابی، معناشدن، فهم ساختار، کارکردها و روابط درونی خانواده از نظر دختران در معرض ازدواج، از نظریه «سازه اجتماعی بودن خانواده» دیوید چیل استفاده شده است؛ این سازه اجتماعی خصلتی غیرخنثی، سیال و غیرایستا دارد. طوری که افراد در فرآیند زندگی روزمره و گفتگوهایشان در زمینه خانواده، معنای آن را شکل می‌دهند. از نظر چیل، خانواده چیزی است که مردم در تعاملات روزمره و مستمر اجتماعی خود آن را مدام تعریف می‌کنند. تعریفی که هم متعلق به کنش‌گران در زندگی روزمره است و هم تعریف اندیشمندان علوم اجتماعی در مباحث مرتبط با زندگی خانوادگی را در بر می‌گیرد. از این رو شناخت خانواده به‌عنوان سازه اجتماعی، نیازمند توجه به شیوه‌هایی است که براساس آنها مردم درباره خانواده سخن گفته و روابط اجتماعی خود را سازماندهی می‌کنند. مردم خانواده

را واحدی اجتماعی می‌دانند و با معنایی که برای خانواده قائلند بر تعاریف موجود در زمینه خانواده تأثیر می‌گذارند (چیل، ۱۳۸۸). بر اساس دیدگاه چیل، نمی‌توان از خانواده صحبت کرد، بلکه می‌بایست از خانواده‌ها سخن گفت. این پدیده مربوط به ماهیت سیال پویا و متغیر خانواده است؛ چرا که در دنیای پست مدرن، هیچ چیز ثابت و معین نیست (استیل، وکید، ۱۳۸۸). نگاه چیل به نهاد خانواده توأم با پذیرش تنوع و تکثر و به‌ویژه گوناگونی فرهنگی است. او در مقایسه خانواده در کشورهای اسلامی با دنیای غرب، به دیدگاه متفاوت آنها تأکید دارد و معتقد است ارزش‌های خاص جوامع اسلامی بر ساختار خانواده این کشورها تأثیرات عمیقی دارد. (لبیسی، ۱۳۹۳) از نظر برناردز، زندگی خانوادگی محصول واقعیت زیسته است و ثابت و ایستا نیست؛ نمی‌توان درباره خانواده به‌عنوان پدیده و ساختاری واحد اندیشید. بلکه باید از «عملکردهای خانواده» صحبت کرد؛ زیرا تنها موضوع واقعی درباره خانواده، در این است که خانواده شامل افرادی است که درگیر کنش با یکدیگرند (استیل، وکید، ۱۳۸۸).

۲. شیوه اجرای پژوهش

۱-۲. روش پژوهش

این تحقیق مبتنی بر رهیافت کیفی و بر مبنای پارادایم تفسیرگرایی است. از نظر عمق ژرفانگرو از نظر هدف و حیطة کاربرد، از نوع تحقیق‌های کاربردی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه اکتشافی و برای تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی از روش تحلیل گفتمان استفاده شده است. با بهره‌گیری از مصاحبه عمیق، امکان رسوخ به دنیای درونی، تعاریف، معناشناسی و تنوعات موجود در برداشت از ترکیب و مناسبات همسرگزینی فراهم شده است.

نورمن فرکلاف بر این باور است که برای داشتن تحلیلی جامع از گفتمان، باید سطوح تحلیل - توصیفی، تفسیری و تبیینی را بر گفتمان اعمال کرد. در مرحله توصیف، مفاهیم مورد نظر است؛ یک مفهوم تصویری است که در قالب کلمات و یا به صورت یک نماد بیان می‌شود. مفاهیم، نقش برقراری پیوند با جهان اجتماعی را دارند. سطح تفسیری، با معناکاوای سرو کار دارد و هدف، فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان است. در

نهایت سطح تبیینی، نیازمند نوعی تحلیل فرامتن است و تبیین، معطوف به بررسی تأثیر متقابل ساختارهای اجتماعی و گفتمان است (بلیکی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، تحلیل الگوهای خانواده بر مبنای تحلیل گفتمان جیمز پال گی و نورمن فرکلاف و ادبیات گفتمانی ارنستو لاکلاو و شنتال موف انجام شده است.

جدول شماره ۱: مراحل تحلیل گفتمان توصیفی، تفسیری و تبیینی (جدول روش شناسی)

استخراج الگوهای خانواده از متن مصاحبه‌ها		
خلاصه‌سازی	کدگذاری کیفی	تحلیل توصیفی گفتمان
استخراج مفاهیم اساسی و کلیدی		
مقوله‌بندی		
پیش‌زمینه گفتمانی	تفسیر اولیه	تحلیل تفسیری گفتمان
مفصل‌بندی	تفسیر ثانویه	
دال مرکزی (گره‌گاه)		
بعد (ابعاد)		
اسم‌سازی		
هم‌ارزی		
معرفی نهادها و ساختار تأثیرگذار بر گفتمان	تحلیل تبیینی گفتمان	

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

شیوه نمونه‌گیری در انتخاب افراد برای انجام مصاحبه‌ها، به صورت هدفمند و با حداکثر تنوع از نظر نوع نگرش نسبت به خانواده بود. حجم نمونه بر مبنای اصل اشباع نظری انتخاب شده است؛ برای محدود کردن دامنه تحقیق، پنجاه نفر از دختران جوان ۱۸ تا ۲۸ ساله (دختران مجرد در معرض ازدواج که صلاحیت پاسخ‌گویی داشته‌اند) در شهر قم (در سال ۱۳۹۵) به صورت در دسترس انتخاب شدند. از آنجا که متناسب با ماهیت پژوهش، کلیت خانواده مبنای تحلیل قرار داشت؛ از بررسی منطقه‌ای اجتناب شد؛ زیرا در چارچوب تحلیلی این مطالعه، نیازی به مطالعه منطقه‌ای برای تشخیص گفتمان‌های مختلف نیست و در تمام مناطق می‌توان الگوی گفتمان‌های مختلف در حوزه خانواده را تشخیص داد. واحد تحلیل در این نوع مطالعات فراتر از کلمه است. از این رو در پژوهش حاضر، واحد تحلیل «عبارت‌های» مصاحبه‌ها بود.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تحلیل توصیفی

۳-۱-۱. تحلیل توصیفی گفتمان الگوهای پنج‌گانه خانواده: فرآیند کدگذاری کیفی

برای تحلیل گفتمان توصیفی الگوهای پنج‌گانه خانواده، از تکنیک کدگذاری کیفی (طی سه مرحله خلاصه‌سازی، استخراج مفاهیم کلیدی و مقوله‌بندی) استفاده شد. بدین منظور نخست، به خلاصه‌سازی دیدگاه‌ها از طریق استخراج واژه‌های کلیدی و اساسی از متون مصاحبه‌ها انجام شد.

برحسب نگرش نسبت به هدف از تشکیل خانواده و سبک‌های همسرگزینی، پنج الگوی «پست مدرن»، «تجددگرا»، «درحال گذار»، «سنتی» و «اسلامی» بازنمایی شد که در این بخش با بازنمایی واژه‌های به کار رفته در معنادهی به امر همسرگزینی، به توصیف آنها پرداخته شد.

جدول شماره ۲: استخراج مفاهیم کلیدی و اساسی مرتبط با الگوهای خانواده

مؤلفه‌های الگو	عبارات مرکزی الگوهای خانواده			
	خانواده پست مدرن	خانواده تجددگرا	خانواده در حال گذار	خانواده سنتی
ویژگی‌های خانواده موفق	زن سالاری، لذت‌گرایی و عرف‌گریزی، آزادی سیال، بی‌معنا بودن خانواده موفق	تساوی حقوق، اشتراک فکری و عقیدتی، پیشرفت توامان زن و مرد، تسهیم برابر اموال رفاه و سرمایه، مشارکت زن و مرد در امور خانه	مشورت محوری، تعادل هدفمندی، همفکری و سازگاری، اعتماد و احترام متقابل، همدلی صمیمیت، همکاری، نبود زن سالاری یا مردسالاری	خانواده باگذشت، حامی صبوری، فرزندپرور، وفادار اعتماد، قانع، زن سازگار مسئولیت‌پذیر، مرد قوی رزق حلال
تمایل به تشکیل خانواده و هدف ازدواج	عدم علاقه به ازدواج ترس از محدود شدن و مسئولیت‌پذیری. گریز از قانون و عرف ازدواج طلاق آسان، بی‌معنایی ازدواج	عدم تمایل به ازدواج اولویت با تحصیل و شغل مسئولیت‌گریزی، ترس از محدود شدن، استقلال مالی، مانع پیشرفت شدن، بی‌اعتمادی به جنس مخالف، نداشتن الگوی ازدواج	تا حدودی رسیدن به آرامش نسبی، پیشرفت، بی‌اعتمادی، رهایی از تنهایی، مستقل شدن امنیت، مسیر منطقی	بقای نسل، متعهد شدن یافتن همدم و حامی حس آرامش کنار همسر و فرزند نیاز جنسی کامل شدن، معلوم شدن سرنوشت
قواعد و الگوی همسرگزینی	هم‌باشی، هرج و مرج در الگو، زنان ضعیف در قانون، ازدواج مشروط برابری، انتخاب آزاد، سکس آزاد، ارتباط و تجارب متنوع	لرزم دوستی، انتخاب فردی، برون همسری، نقش کم والدین، تنوع الگوها، زیبایی و پول، عشق و خرد، آگاهی	نه سنتی نه مدرن بلکه تلفیقی، الگوی بینابینی بدون الگو، فامیل یا غریبه آشنایی زیر نظر خانواده آگاهانه و مشورتی	درون همسری، فرهنگ مشترک، سن پایین انتخاب خانواده، تجربه والدین، بدون رابطه دوستی، مصلحت جمع

عبارات مرکزی الگوهای خانواده					مؤلفه های
خانواده اسلامی	خانواده سنتی	خانواده در حال گذار	خانواده تجدیدگرا	خانواده پست مدرن	الگو
ابطحکام، فساد، نقش شیطان، نامحرم، حجاب و پوشش، حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> ، عشق کاذب	ناپسند بودن ارتباط طبق عرف، نامحرم، حیا، آبروریزی آسیب زابودن رابطه	دوستی محدود زماندار با هدف آشنایی جزئی گذار از تعصبات، کنترل خانواده، چارچوب مند چشم باز، حیا	مفید بودن رابطه شناخت عاطفی و جنسی ارتباط متنوع، رابطه باز بدون اطلاع خانواده چارچوب توافقی	ارتباط آزاد و نامحدود شناخت روحی و جسمی زندگی مشترک بدون ازدواج، عمل خلاف قانون و دین	رابطه دختر و پسر قبل ازدواج
مؤمن، هم کفو، رزق حلال، با اخلاق و ادب اهل نماز و روزه و مسجد خانواده مدار، راستگو	با احساس، متعهد، اهل کار، با اخلاق، اجتماعی تکیه گاه، غیرتی، درک نیاز عاطفی زن، خانواده دار	متعادل، اهل زندگی دوری از مرد با زن محوری درآمد معقول، متعهد اهل کار و پیشرفت، رعایت حدود اهل مشورت خانواده دار	پولدار، پذیرفتن استقلال و علائق زن، مستقل، احترام به حریم خصوصی زن، هم فاز و همراه، دوری از خیانت، مدگرا، متعهد، زمینه ساز رفاه و اشتغال و تحصیل زن	خانواده راحت و مرفه اهل ازدواج سفید، محدود نبودن، پذیرش زن سالاری، شبیه به خودم	ویژگی های همسر مورد علاقه
سفر زیارتی، دوری از اسراف و فخر فروشی و گناه، ازدواج معنوی ساده، دستور رهبری فرهنگ سازی	در حد خانواده، معمولی و ساده، به دور از ریخت و پاش، عقد در خانه خاطره انگیز	بر اساس فرهنگ، در شأن خانواده ها، نه خیلی ساده نه خیلی تجملاتی معمولی ولی شیک ازدواج تلفیقی	تجملاتی، شیک و مدرن بدون فامیل، باغ تالار، به دور از سفر زیارتی	کنار ساحل، خارج کشور، حضور دوستان صمیمی، مختلط و بدون فامیل، میهمانی به دور از عرف و مذهب بریز و بپاش	آیین و مراسم ازدواج
۱۴ سکه، سفر زیارتی بخشیدن مهر، سفارش رهبری، الگوی گیری از ائمه	تعیین با والدین کم باشه، طبق عرف اجتماع، توافق عادی	توافقی، خوشبختی نمیاره، طبق شرایط مثل قدیم، کسی نداده کسی نگرفته، نه کم نه زیاد	پشتوانه زن، اعتقادی ندارم، مبلغ بالا، عدم اعتماد به پسرها، توپ توپ، حق طلاق	حضانت بچه، زمین و خانه، مخالف قانون مهریه، تحقیر زن مسخره بودن مهریه خریدن زن، مهریه دادن هر دو طرف	مهریه
بدون اسراف، ساده توافقی، وسایل مورد نیاز	توان مالی، ساده، آبرومند طبق عرف، قشنگ وسایل ضروری	توافقی، ساده و قابل استفاده، طبق شرایط خانواده ها، نه خیلی تجملاتی نه خیلی ساده	تجملاتی، چشم و هم چشمی، خوشگل، لوکس و شیک، بهترین ها	مدرک تحصیلی به عنوان جهیزیه، همه چیز نصف نصف	جهیزیه

۳-۱-۲. مقوله بندی الگوهای خانواده

مقوله بندی مرحله ای دیگر از کدگذاری کیفی است که در بخش تحلیل توصیفی گفتمان قرار دارد. مقوله بندی مفاهیم، با استخراج مفاهیم مربوط به هر کدام از الگوها و طبقه بندی آنها انجام گرفت. چون کدگذاری کیفی مستلزم محدود کردن و تنقیح واژگان است، در مرحله مقوله بندی، ارتباط بین مفاهیم کلیدی هر کدام از الگوها مشخص و پراکندگی مفاهیم، در مقولات اصلی تنظیم شد. مقوله بندی الگوها به دو شکل انجام گرفت: بر مبنای ویژگی عمومی «اصالت فرد و جمع»، و بر مبنای ویژگی اختصاصی هر الگو.

جدول شماره ۳: مقوله بندی الگوی خانواده پست مدرن

مقوله اختصاصی	مجموعه عناصر مقوله
اصالت فرد	آزادی، ترس از محدود شدن، گریز از مسئولیت پذیری، داشتن همسری همفکر و همتا و هم زبان و شبیه به خودم، میهمانی با نظر شخصی، زندگی طبق علاقه، خانواده لذت‌گرا
عرف و قانون‌گریزی	بی‌حجابی، عدم علاقه به ازدواج، عدم پذیرش قانون ازدواج، لزوم ارتباط آزاد متنوع و نامحدود، پذیرش همباشی، بی‌معنایی ازدواج، سکس قبل از ازدواج، عمل خلاف قانون و دین، ازدواج کنار ساحل یا خارج کشور، میهمانی مختلط، مراسم به دور از عرف و رسم، مخالف قانون مهریه، مسخره بودن مهریه، عدم تقدس ازدواج
زن سالاری	زن سالاری، ازدواج مشروط، ضعیف پنداشته شدن زنان در قانون، پذیرش زن سالاری توسط همسر پذیرش فکر زن، حضانت بچه به‌عنوان مهریه، گرفتن زمین و خانه از همسر، لزوم استقلال زن

جدول شماره ۴: مقوله بندی الگوی خانواده تجددگرا

مقوله اختصاصی	مجموعه عناصر مقوله
اصالت فرد	رفاه، اولویت با تحصیل و شغل، مسئولیت‌گریزی، ترس از محدود شدن، پیشرفت فردی، ازدواج مانع پیشرفت، رهایی از والدین، آرامش فردی، انتخاب فردی همسر، برون همسری، نقش کم والدین در همسرگزینی، مصلحت فردی، عشق و خرد، شیک و مدرن
روابط دموکراتیک (برابری خواهی)	تساوی حقوق، پیشرفت توأمان زن و مرد، تسهیم برابر اموال، بی‌عدالتی نظام حقوقی بر علیه زن، استقلال مالی زن، شناخت عاطفی و جنسی قبل از ازدواج، آزادی دادن به زن، حق طلاق با زن، رد مردسالاری، خانواده دموکراتیک

جدول شماره ۵: مقوله بندی الگوی خانواده در حال گذار

مقوله اختصاصی	مجموعه عناصر مقوله
پراکندگی و کشاکش اصالت فرد و جمع	مشورت محوری در عین پذیرش نظر خانواده، ازدواج برای رسیدن به آرامش نسبی و پیشرفت فردی و رهایی از تنهایی در عین بی‌اعتمادی به پسرها، ازدواج آگاهانه و در عین حال طبق مصلحت جمع مراسم ازدواج طبق فرهنگ و در شأن خانواده اما شیک، اتخاذ راهی بین سخت‌گیری گذشته و سهل‌گیری امروزه در روابط دختر و پسر
پراکندگی و کشاکش پدرسالاری و مادرسالاری	تعادل بین اعضا در عین اقتدار مرد، همکاری زن و مرد در عین توجه به تفکیک نقش‌های زنانه و مردانه، نبود زن سالاری و مردسالاری، خواسته زن در کنار خواسته همسر
پراکندگی و کشاکش بین سنت و تجددگرایی	همسرگزینی نه سنتی نه مدرن بلکه تلفیقی، بدون الگو بودن، عدم تفاوت ازدواج با فامیل یا غریبه، آشنایی و ارتباط زیر نظر خانواده، گذار از تعصبات، ارتباط در عین حفظ حیا، مراسم ازدواج نه ساده نه تجملاتی مهریه نه کم نه زیاد، جهیزیه نه تجملاتی و نه ساده

جدول شماره ۶: مقوله بندی الگوی خانواده سنتی عرفی

مقوله اختصاصی	مجموعه عناصر مقوله
اصالت جمع و عرف اجتماعی	خانواده باگذشت و سازگار، تربیت فرزند، مسئولیت پذیری، عاشق مادر شدن، ازدواج به منظور رهایی از تنهایی و متعهد شدن و یافتن همدم، تمایل زیاد به ازدواج، علاقه به همراهی با خانواده، ازدواج درون گروهی، ازدواج سنتی، انتخاب و تأیید خانواده در ازدواج، ازدواج طبق مصلحت جمع، ناپسند بودن ارتباط در عرف اجتماعی، آبروی خانواده، مراسم ازدواج و مهریه و جهیزیه طبق عرف اجتماعی و آبرومند
اقتدار مرد (پدرسالاری)	هنر همسررداری و خانواده داری، تصمیم‌گیری عاقلانه مرد، مرد قابل احترام، دارای ویژگی‌های مردانه و بزرگ منشی، لطافت زنانه و قدرت مردانه، همسر مقتدر و غیرتی، عدم مخالفت مستقیم زن با مرد تصمیم‌گیری بهتر مرد، مرد ستون خانه، کوتاه آمدن زن در زندگی

جدول شماره ۷: مقوله بندی الگوی خانواده اسلامی

مقوله اختصاصی	مجموعه عناصر مقوله
اصالت جمع در عین اصالت فرد	مادر مربی و تحصیل کرده، تربیت فرزند در عین رشد فردی، آرامش روحی خود و خانواده، ازدواج به منظور بقای نسل و در عین حال نیاز فطری، دوری از عشق کاذب و یافتن لذت شرعی، عدم تفاوت ازدواج با فامیل یا غریبه، ازدواج سنتی با رعایت حق انتخاب دختر، نقش و تجربه والدین، دوری از فساد انتخاب همسری خانواده مدار، آراسته و صادق و راستگو و پرتلاش، ازدواج ساده به منظور فرهنگ سازی جهیزیه توافقی و ساده و وسایل مورد نیاز، زن صبور و باگذشت و در عین حال با حقوق برابر
عدالت محوری	احترام متقابل در خانه، خانواده عملگرا، ازدواج با هم‌کفو، پذیرفتن تفاوت‌های یکدیگر در خانواده، زن و مرد مکمل یکدیگر، انتخاب همسر با خانواده و تأیید دختر، ازدواج سبب کامل شدن
محوریت و تعیین‌کنندگی دین	خانواده دیندار و با ایمان، سبک زندگی اسلامی، دعای پدر و مادر، ساده زیستی و رزق حلال ازدواج سفارش پیامبر، رضایت خدا در ازدواج، توصیه به ازدواج در احادیث، ازدواج به منظور تکمیل دین الگوگیری از ائمه، رعایت احکام در رابطه دختر و پسر، نقش شیطان در رابطه، نامحرم، حجاب و پوشش ازدواج حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> ، انتخاب همسری مؤمن، با اخلاق، اهل نماز و روزه و مسجد، رفتن به سفر زیارتی به جای مراسم ازدواج، دوری از اسراف و گناه در مراسم ازدواج، ازدواج و مهریه معنوی، مهریه ۱۴ سکه به سفارش رهبری، سفر زیارتی به جای مهریه، بخشیدن مهر، زن انسان ساز، لذت شرعی

۲-۳. تحلیل گفتمان تفسیری و تبیینی الگوهای پنج‌گانه خانواده (ساختار و روابط درونی الگوهای خانواده) پیش‌زمینه گفتمانی (بافت موقعیتی)

۱-۲-۳. تفسیر اولیه

طبق جدول «شماره ۱»، تفسیر شامل دو بخش است: تفسیر اولیه و تفسیر ثانویه، که تفسیر اولیه به بازنمایی پیش‌زمینه گفتمان‌ها مرتبط است. به عبارتی در تفسیر اولیه توصیف و تحلیل زمینه و شرایط اجتماعی گفتمان و بافت موقعیتی که گفتمان در آن بر ساخته و معنا می‌شود، مدنظر محقق است.

از نظر فرکلاف پس از گذر از مرحله توصیف متن که به نظام معانی جدا از زمینه و شرایط اجتماعی آن پرداخته می‌شود، در سطح تفسیری، با معنا کاوی سروکار داریم و هدف، فهم

معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان است. تفسیر به دنبال نشان دادن تعامل بین متن و بافت است (فرکلاف، ۱۳۸۷). این بخش به دنبال فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان‌ها است، تا بتوان تعامل بین متن و بافت را نشان داد و وجوه اشتراک و افتراق پنج الگوی خانواده را شناسایی و توصیف کرد.

۳-۲-۱. الگوی خانواده پست مدرن

تغییر نگرش به زندگی خانوادگی بخشی از شکل‌گیری پدیده اجتماعی جدیدی است که استیسی آن را خانواده پست مدرن می‌نامد. به نظری دوره زمانی‌ای که در آن خانواده‌ها متنوع و سیالند، روابط خانوادگی بحث‌برانگیز، مبهم و معلق خواهد بود. (لیبی، ۱۳۹۳) الگوی خانواده پست مدرن متأثر از نظریه پست مدرنیستی و طرفداران زوال خانواده است. این نظریه کار خود را با این اظهار نظر آغاز می‌کند که انسان‌های قرن بیستم دیگر نه تحت شرایط مدرنیته، بلکه تحت شرایط «پسامدرنیته» زندگی می‌کنند. این جهان پسامدرن بر اثر تأثیرات متقابل چهار دگرگونی عمده به وجود آمده است که عبارتند از: نوعی مرحله انبساطی متجاوزانه در سرمایه‌داری جهانی و تضعیف قدرت متمرکز دولتی؛ الگوبندی زندگی به واسطه فناوری بیش از پیش نیرومند و نافذی که تولید را تحت کنترل گرفته و مصرف‌گرایی را ترویج می‌کند؛ رشد جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواهانه به ویژه در اشکال جنسیت (فمینیسم به عنوان یک جنبش جهانی) و گرایش جنسی (حقوق مردان همجنس‌گرا). در میان همه این تحولات، جنبش‌های آزادی‌خواهانه ممکن است مهم‌ترین تحولی باشد که چالش پسامدرنی پیش روی معرفت‌شناسی و نظریه مدرنیستی قرار داده است (ریتزر، و گودمن، ۱۳۹۰).

به عبارت دیگر تفکر پست مدرنیسم، ثبات محدودیت و یکپارچگی جامعه سنتی را بر هم زده و فضای اجتماعی نفوذپذیر و پاره پاره مبتنی بر خصلت‌های «تفاوت»، «سیالیت» «پارادوکس» و «شبکه‌ای شدن» را ایجاد می‌کند. (علی احمدی، و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۲) از سوی دیگر الگوی خانواده پست مدرن از پارادایم تفسیری و انتقادی و به ویژه نظریه پردازان فمینیستی (به ویژه نظریه فمینیسم رادیکال و نظریه پردازان ستمگری جنسیتی) و نظریه مدرنیته متأخر گیدنز نیز متأثر بوده است. مدرنیته متأخر با فرآیندهای «جهانی شدن»

«سنت زدایی» و «بازاندیشی اجتماعی» همبسته است (لبیبی، ۱۳۹۳).

با تفسیر مؤلفه‌های مرتبط با همسرگزینی از منظر پاسخگویان و با توجه به تجربه زیسته آنان، سعی در کشف و تفسیر ساختار و روابط درونی الگوهای خانوادگی شده است تا بتوان تجربه تولیدکننده متن (طرفداران الگوی خانواده پست‌مدرن) از جهان طبیعی یا اجتماعی را بازنمایی کرد. این گروه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت خانواده‌ها را «میزان دموکراتیک بودن خانواده» برمی‌شمارند. خانواده دموکراتیک زمانی شکل می‌گیرد که ساختار آن به‌طور نسبی ساختاری اختیاری باشد. (علی احمدی، ۱۳۸۹)

در الگوی پست‌مدرن، «عدم پذیرش قانون و عرف اجتماعی» در ازدواج وجود دارد. آنها معتقدند که «قوانین موجود (به‌ویژه قوانین مربوط به ازدواج)، علیه زنان است» و باید به لزوم «آزادی و برابری کامل زنان و مردان در ازدواج» توجه شود و با تمایل به «ازدواج مشروط» (گرفتن حق طلاق و حضانت فرزند و...) سعی در جبران آن دارند. حتی بیشتر آنان به دلیل «ترس از محدود شدن»، تمایلی به ازدواج ندارند، چون «ازدواج را عامل محدود شدن زن و تحمیل مسئولیت» می‌دانند. برخی طرفداران در این دیدگاه معتقدند که «باید شرایط طلاق آسان شود» تا ازدواج‌ها بیشتر شود؛ چرا که «به تقدس ازدواج اعتقادی نداشته و آن را پیمانی غیرمقدس در قالب یک توافق ساده و در حد دوستی» می‌دانند، به همین دلیل خواستار شرایط ساده و آسان برای لغو و به پایان رساندن آن هستند.

امروزه در پی تقدس‌زدایی از جامعه و عرفی شدن دین، ازدواج که پیش از آن، اقدامی مقدس و دینی تلقی می‌شد، رفته‌رفته قداست خود را از دست داد و به یک قرارداد مدنی صرف مبدل شد (بستان، ۱۳۹۰). بی تردید در شکل پست‌مدرن الگوی همسرگزینی که به نوعی الگوی غیررسمی، نامتعارف و عرف‌گریز است؛ سلطه جامعه و خانواده بر فرد، کمتر و دایره اختیار او وسیع‌تر است.

طرفداران الگوی پست‌مدرن، قائل به «تکثر در الگوهای ازدواج» هستند و معتقدند که امروزه در سبک‌های همسرگزینی هرج و مرج وجود دارد. آنها با تفسیری که از وضعیت سیال و متغیر سبک‌های همسرگزینی دارند، از رواج هم‌باشی و هم‌خانگی قبل از ازدواج استقبال می‌نمایند. هم‌خانگی، زندگی مشترک بدون ازدواج و غیررسمی یک زوج با یکدیگر

است که در این الگو تعهد قانونی بین دو شریک جنسی جای خود را به تعهد عاطفی می‌دهد. (گیدنز، ۱۳۸۶)

امروزه از مصداق مهم فردیت‌گرایی به مثابه امری پسامدرن که خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد، می‌توان به شکل‌گیری گونه جدیدی از زندگی مشترک اشاره کرد که «هم‌بالینی» نام دارد. به گواه بسیاری از محققان زندگی مشترک بدون ازدواج در تهران، روندی رو به افزایش دارد و تمایل به مناسبات جنسی غیر از زندگی زناشویی در بین مجردان و متأهلین به چشم می‌خورد. این موضوع به افزایش بیماری‌های مقاربتی و پیمان شکنی در مناسبات خانوادگی منجر شده است. (علی احمدی، ۱۳۸۹)

در تفسیری که طرفداران الگوی پست‌مدرن از رابطه پسر و دختر قبل از ازدواج دارند؛ آن را یک «انتخاب آزاد» می‌نامند؛ برای «آزادی انسان‌ها» نقش بسزایی قائلند و در پی این نوع معناکاوی از ازدواج و انسان، لزوم ارتباط (در هر سطحی) را بسیار ضروری می‌دانند. آزاد ارمکی معتقد است که امروزه تفاوت در نگرش به نحوه رابطه باجنس مخالف، به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌های شهری بدل شده است. گسترش رابطه جنسی پیش از ازدواج محصول «انقلاب جنسی» در اواخر دهه ۱۹۶۰ در جوامع غربی بوده است. عشق سیال، محصول دوران مدرنیته متأخر و رویکردهای پسامدرن در غرب است. این نوع رابطه از متأخرین الگوهای رابطه در زیر پوست جامعه شهری است. ویژگی عشق سیال نه رفتن به سمت الگوهای پنهان کاری بلکه «چند همسری آشکار» است و هدف آن تنوع بیشتر، تعهد کمتر و آزادی بیشتر در رابطه‌هایی است که صورتی نسبتاً دوستانه دارند (لبیی، ۱۳۹۳).

در برداشتی که طرفداران الگوی پست‌مدرن، از مراسم ازدواج دارند؛ به دلیل ترس از درگیر شدن در رسم، عرف، عقاید و افکار عمومی درباره ازدواج، اغلب از این‌گونه مراسم‌ها استقبال نمی‌کنند و اگر قرار بر برپایی مراسم باشد، سعی می‌کنند آن را در قالبی جدید متنوع و متفاوت اجرا کنند. برای مثال دعوت از دوستان بدون اقوام، میهمانی مختلط در یک باغ یا کنار ساحل و ...

مهریه، جهیزیه و مراسم ازدواج در این الگو، سیالیت و تنوع بسیار بالایی دارد و بیشتر

نگرش فرد آن را تعیین می‌کند تا عرف اجتماعی؛ مثل گرفتن حضانت فرزند، مدرک تحصیلی، زمین و خانه و...؛ زیرا معتقدند که در هر حال مردان خیانت می‌کنند و باید از ابتدا به فکر طلاق و شرایط بعد از آن بود. البته با تأثیری که تفکرات فمینیستی بر این الگو داشته است؛ بسیاری از آنها بر خلاف ظالمانه دانستن قانون مهریه، عرف مهریه دادن را تمسخرآمیز و توهین به زن و به مثابه خرید زن قلمداد می‌کنند و معتقدند که این قوانین و رسوم منجر به تحقیر زن شده است. هواداران فمینیسم هم به موضوع مهریه از دریچه تفسیرهای منفی و بدبینانه می‌نگرند. برای مثال، آن را بهای خرید زن از مالکش یعنی، پدر وی قلمداد می‌کنند. از این رو، گاهی با کراهت و استنکاف برخی دختران از قبول مهریه روبه‌رو می‌شویم؛ زیرا آن را نوعی توهین به کرامت و شخصیت زن در نظر می‌گیرند (مطهری، ۱۳۶۹، به نقل از بستان، ۱۳۹۰).

۳-۲-۱-۲. الگوی خانواده تجددگرا

الگوی خانواده مدرن برآمده از ادبیات گفتمانی جامعه مدنی لیبرالیستی در ایران است. گفتمان جامعه مدنی بر مبنای فردگرایی، نفع‌انگاری، عقلانیت و تکثرگرایی است. قرابت گفتمانی این الگو همچنین با اندیشه لیبرالیسم و معرفت‌بازاندیشانه نیز بررسی می‌شود. همچنین این الگو از نظریه دموکراسی عاطفی آنتونی گیدنز و نظریه‌های فمینیسم (به ویژه معتقدان به نابرابری جنسیتی) متأثر است. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که در ترویج خانواده مدرن مدنی نقش دارد، فمینیست‌های ایرانی است (جلایی‌پور، ۱۳۸۵). برخی با تمرکز بر روش جریان فمینیسم در ایران بعد از انقلاب اسلامی، فراز و نشیب‌های آن جریان را به پنج مقطع فمینیسم حاشیه‌ای (اواخر دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۶۰)، فمینیسم محفلی (نیمه دوم دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰)، فمینیسم مطبوعاتی (اوایل تا اواخر دهه ۷۰)، فمینیسم تشکیلاتی (اواسط دهه ۷۰ تا اوایل دهه ۸۰) و فمینیسم شبکه‌ای (اواسط دهه ۸۰ تا کنون) تقسیم کرده‌اند که با نمادهایی همچون هشتم مارس (روز جهانی زن)، ۲۲ خرداد (که در سال ۸۴ مقابل دانشگاه تهران قانون ایران را قانونی تبعیض‌آمیز و زن‌ستیز معرفی کردند) و فعالیت‌هایی همچون راه‌اندازی انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی زنانه، نشریات زنانه، حضور فعال در فضای مجازی، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و برخی آثار سینمایی، به طرح خواسته‌های جنسیتی برابری خواهانه

و آزادی خواهانه در جامعه و به ویژه مطالبه رفع تبعیض از قوانین جمهوری اسلامی ایران از جمله قانون اساسی پرداختند (شمسی، و نصیری، ۱۳۹۵).

بر مبنای گفتمان جامعه مدنی در ایران، مهم ترین ویژگی خانواده تجددگرا، برقراری روابط مبتنی بر برابری بین حقوق زن و مرد در خانواده بر پایه تفاهم و گفت و گو، اما بر پایه اصالت فرد است. به اعتقاد گیدنز، در خانواده امروزی تنها از یک چیز می توان سخن گفت و آن، دموکراسی است. از طریق دموکراتیزه شدن خانواده است که می توان انتخاب فردی و همبستگی اجتماعی را با هم ترکیب کرد. دموکراتیزه کردن در زمینه خانواده به مفهوم برابری، احترام متقابل، استقلال، تصمیم گیری از طریق برقراری ارتباط و آزادی از خشونت است که بیشتر بر اساس بحث و گفت و گو خواهد بود. از نگاه گیدنز، خانواده مدرن خانواده ای است که در آن تساوی زن و مرد، رابطه ناب، اعتماد و عمل به شیوه دموکراتیک وجود دارد. (لبیی، ۱۳۹۳)

به کار گرفتن برخی اصطلاحات و واژگان متعلق به نظریه های فمینیستی و گیدنز در مباحث متعلق به الگوی خانواده مدرن آشکار است، برای مثال می توان به دو واژه «برابری خواهی» و «روابط دموکراتیک» اشاره کرد که در بازنمایی و بازسازی الگوی خانواده تجددگرا آشکارا استفاده می شود (جلایی پور، ۱۳۸۵، به نقل از صادقی فسایی، و عرفان منش، ۱۳۹۱). یافته های ریموند نشان می دهد که جوامع مدرن امروزی، در حال گسترش مداوم به سوی فرهنگ گفت و گو در زندگی خانوادگی خود هستند (لبیی، ۱۳۹۳).

پژوهش حاضر، همواره با تمرکز بر واژه ها و نوع کاربرد آن در متن، به دنبال تفسیر ساختار و روابط الگوی خانواده تجددگرا است. لزوم تحقق تساوی و برابری، پیشرفت توأمان زن و مرد، اشتراک فکری و عقیدتی، پذیرش عقاید یکدیگر و احترام توأمان و برابر به خواسته ها و تفکرات همسران و استقلال مالی زن، از ویژگی های خانواده موفق در این الگو است که نشان از رویکرد مساوات طلبانه آنها دارد.

برخی از پژوهشگران تفاوت بین خانواده سنتی و خانواده دوران فردگرایی را مقتضای تفاوت بین دو الگوی نهادی و دلبرانه خانواده دانسته اند. در الگوی نهادی، خانواده افزون بر عشق و عاطفه، یک هویت اجتماعی دارد و بر اساس حمایت از یکدیگر، همیاری

اقتصادی، مراقبت از اعضای خانواده و پرورش کودکان شکل می‌گیرد، ولی در الگوی دلبرانه، یافتن یک دلبر محبوب و برآورده کردن نیازهای عاطفی و وجنسی زن و مرد مهم است. (سمعی، ۱۳۹۳) به دلیل اولویت دادن به تحصیل و شغل، مسئولیت‌گریزی، رفاه‌طلبی، ترس از محدود شدن، مانع پیشرفت شدن، بی‌اعتمادی به جنس مخالف، گریز از کار خانگی، ترس از تحت سلطه مرد شدن، ترس از ازدواج ناموفق و نداشتن الگوی ازدواج، در این الگو، دختران اغلب علاقه‌مندی زیادی به ازدواج نشان نمی‌دهند.

تفسیر و معنایی که در الگوی خانواده تجددگرا از قواعد و الگوی همسرگزینی و ازدواج بر ساخته می‌شود؛ بر لزوم گذراندن دوران دوستی قبل از ازدواج، انتخاب فردی، نقش محدود خانواده‌ها در انتخاب یا تأیید همسر و برون همسری، تأکید می‌شود. شاید مشهودترین بعد فردگرایی در خانواده‌های مدرن در فضای کنونی جامعه، شیوه‌ای باشد که در حال حاضر جوانان تصمیم به ازدواج می‌گیرند. آنها همسرشان را خودشان انتخاب می‌کنند و زندگی خود را بر پایه حق و حقوق برابرپیش می‌برند (علی احمدی، ۱۳۸۶). به این شیوه، «همسرگزینی آزاد» گویند (اعزاز، ۱۳۸۲). بی‌تردید همسرگزینی آزاد و عشق رمانتیک، نمودی از گسترش فردگرایی در فرآیند همسرگزینی است. یکی از شاخصه‌های بروز فردگرایی و زوال اقتدار سنتی در خانواده ایرانی، تغییرات نحوه انتخاب همسر است (تنهایی، و شکرپیگی، ۱۳۸۷). این افراد ضمن ملاک قرار دادن مادّیات، ازدواج بر مبنای مصلحت‌اندیشی فردی، مبتنی بر عشق و خرد را ازدواجی خردمندانه می‌دانند و معتقدند که ازدواج آگاهانه و منطقی، ازدواج بر مبنای اصالت علقه‌های عاطفی و مبتنی بر لذت است. امروزه نقش عشق و علقه‌های عاطفی در رخداد ازدواج، اهمیت ویژه‌ای دارد به نحوی که از نظر پارسونز و دیگر جامعه‌شناسان انتخاب همسر بر اساس علقه و عشق یکی از ویژگی‌های اصلی خانواده هسته‌ای جدید است (اعزاز، ۱۳۸۲).

در ازدواج مدرن، نوعی بی‌الگویی در تشکیل خانواده دیده می‌شود؛ زیرا از طرفی مکانیسم‌های سنتی در همسرگزینی در حال اضمحلال است و از سوی دیگر بدون معرفی الگو یا خط مشی مشخصی، این امر به نسل جوان سپرده شده است و جوانان باید خودشان به دنبال همسر مناسب برای خودشان باشند. از طرف دیگر همواره در ایران امتیاز انتخاب

کردن و پیشنهاد دادن برای ازدواج از طرف مرد بوده است، دختران نیز برای اینکه از این معرکه بازمانند و بتوانند خود را در میدان انتخاب شدن وارد کنند، با آرایش وارد فضاهای عمومی شده و خود را در معرض انتخاب شدن قرار می‌دهد. این مسائل زمینه سوءاستفاده برخی‌ها را فراهم کرده است؛ آنها با نشان کردن دخترانی که قصد ازدواج (آن هم با الگوی مدرن) دارند، آنها را سوژه خود قرار می‌دهند و شرط ازدواج را ارتباط با آنها می‌دانند (کم و کیف ارتباط، از ارتباط تلفنی تا ارتباط جنسی متفاوت است) و بعد از گذران مدت زمانی با بهانه‌های واهی، آنها را رها کرده و سراغ شخص دیگری می‌روند. دختران نیز از این وضعیت رنج برده و نمی‌دانند که چگونه می‌توانند این جریان را کنترل کنند که هم شانس ازدواج را از دست ندهند و هم مورد سوءاستفاده قرار نگیرند؛ زیرا همواره جامعه ایران به بکارت دختر در زمان ازدواج به عنوان یک ارزش، تأکید ویژه‌ای دارد.

در فرآیند مدرنیته، خانواده ایرانی که در چارچوب سنتی خود خانواده‌ای جمع‌گرا و آیین‌محور بود، در حال حاضر بیش از پیش به سمت فردگرایی می‌رود. این فردگرایی در زمینه مراسم و گردهمایی‌ها نیز وجود دارد. بنابراین، این نوع خانواده جدید ایرانی برخلاف وجود آیین‌های متعدد، دیگر آیینی و مناسکی نیست، بلکه فردگرو آیین‌زداست (آزادارمکی، ۱۳۸۶). در این الگو نیز مشخص شد بر مبنای تفسیری که از ازدواج و روابط خویشاوندی دارند، علاقه‌مندند که مراسم ازدواج با حضور دوستان و بدون حضور اقوام برگزار شود. افراد در الگوی تجدیدگرا عقیده دارند که مهریه، جهیزیه و مراسم باید تجملاتی، لوکس، مدرن شیک و طبق شأن خانواده باشد. امروزه برخی از پژوهش‌ها حاکی از پابندی نسل اخیر نسبت به برگزاری تشریفاتی مراسم ازدواج است. افراد در این الگو، علاقه‌مند به مسافرت سیاحتی پس از عروسی و هنگام ماه عسل هستند و از سفرهای زیارتی برای مراسم عروسی دوری می‌نمایند؛ آنها نظر دختر و پسر را تعیین‌کننده مهریه می‌دانند نه نظر خانواده‌ها را و «مهریه سنگین» را قبول دارند؛ چراکه مهریه زیاد را پشتوانه زن می‌دانند که به نوعی بی‌اعتمادی به جنس مخالف را نیز بازنمایی می‌کند.

۳-۲-۱-۳. الگوی خانواده در حال گذار

جامعه کنونی به مثابه یک سازه پویا در دوران گذار از سنت به مدرنیته به سر می برد و این گذار بدون تنش و با روالی نرم صورت نمی گیرد بلکه مواجهه و برخورد سنت و مدرنیته با مجموعه ای از اختلال ها، تنش ها و نابسامانی ها همراه است. (علی احمدی، و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۲) نوگرایی و تجدد به دلیل واسطه هایی چون تحصیلات، شهرنشینی، میزان مسافرت های خارجی و تکنولوژی های نوین ارتباطی، تحول را در نهاد خانواده پذیرا می کند و در یک تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد، الزام اجتماعی کاهش می یابد و در نتیجه هنجارهای سنتی نیز به شدت تضعیف می شوند (علی احمدی، ۱۳۸۸).

مهم ترین منشأ قدرت در این الگو، برآمده از قدرت توأمان زن و مرد در جامعه است و نظریه پردازان فمینیستی تفاوت جنسیتی (همچون فمینیسم فرهنگی) که تا حدودی تعادل گرا و قائل به تفاوت های زن و مرد هستند و آن را متأثر از ساختمان زیستی افراد می دانند، از منابع قدرت و حامیان این الگو هستند. پیرو این نظریه جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت متفاوت است (ریترز، و گودمن، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر، محقق در پی تفسیر گفتمان الگوی خانواده در حال گذار با تمرکز بر واژه ها و نوع کاربرد آن در متن، به دنبال آن است تا دریابد که مولد متن در این الگو، جهان اجتماعی و یا طبیعی را چگونه ترسیم می کند و بر چه تفسیری از جهان تکیه دارد. در تفسیری که از نگرش افراد علاقه مند به ازدواج در این گروه استنتاج می شود؛ این گروه اگرچه به ازدواج علاقه مندند، به جنس مخالف بی اعتمادند و در سردرگمی الگوهای ازدواج به سر می برند؛ الگویی که نه می توان سنتی نامید نه مدرن. آنها از «ازدواج بدون الگو» یاد می کنند و می گویند که به دنبال کشف «روشی بینابینی» در ازدواجند. به طوری که ازدواج بر مبنای علقه های عاطفی با مشارکت و مشورت خانواده و آشنایی و ارتباط محدود و قاعده مند (جزئی و بدون آزادی، ایزوله شده، سازنده و اخلاق مدار به منظور حفظ امنیت دختر و تعهد پسر، دوری از تعصبات جامعه سنتی و محدود کردن خواسته های جامعه تجددگرا) به قصد آشنایی زیر نظر خانواده را می پذیرند. ازدواج مشورتی اخلاق مدار و ازدواج مبتنی بر ارزش ها و به مصلحت جمع و در عین حال منطقی و با توجه به نظر فردی را توصیه

می‌کنند. از نظر آنها انتخاب باید مساوات‌گرایانه و با روش بینابینی دوستی و سنتی، باشد؛ چراکه از ریسک بودن ازدواج سنتی در عین آسیب‌زا بودن ازدواج مدرن صحبت می‌کنند. از نظر آزاد ارمکی (۱۳۹۲)، شیوه همسرگزینی در ایران تلفیقی از انتخاب فرزندان و والدین است. آنها اگر به‌طور مستقل به انتخاب همسر اقدام کنند با عدم حمایت دیگری روبه‌رو می‌شوند. فرزندان ممکن است که به‌طور مستقل از والدین به انتخاب همسر اقدام کنند، ولی برای نهایی کردن ازدواج از والدین و اعضای خانواده کمک و همیاری می‌طلبند. (به نقل از لیبی، ۱۳۹۳) امروزه هر چند افراد در انتخاب همسر آزادی دارند، بسیاری از شرایط اجتماعی مانع ازدواج دلخواه فرد می‌شود؛ زیرا انتخاب همسر پدیده‌ای اجتماعی و درگیر قید و بندهای آن است. بنابراین، هر چند از دخالت‌های خانواده کاسته و مکانیسم‌های آن بی‌اثر شده است، مکانیسمی اجتماعی به‌وجود آمده و از ازدواج‌هایی که باعث برهم خوردن نظم جامعه شوند (که مهم‌ترین آن طبقه اجتماعی است) جلوگیری می‌کند (اعزازی، ۱۳۸۲).

۳-۲-۱-۴. الگوی خانواده سنتی

پیروان خانواده‌گرایی نماینده این الگو هستند. جریان خانواده‌گرایی بر نگاه سنتی به خانواده تأکید می‌کند و سعی دارد از تغییرات شدید خانواده جلوگیری نماید. در تفسیر خانواده سنتی باید توجه داشت که در فضای سنتی، درک عمومی از جهان و کیهان، محور و مقدس است. در این نظام، زندگی از طرف اسطوره‌ها و نظام‌های تعریف شده پیشین سامان می‌یابد. (گیدنز، ۱۳۸۷)

خانواده سنتی بی‌نهایت اقتدارگراست و مهم‌ترین فرد در خانواده سنتی پدر است. او در همه موارد تصمیم‌نهایی را گرفته و بقیه اعضای خانواده از او پیروی می‌کنند. ویژگی دیگر خانواده سنتی تقدیرگرایی است؛ بدین معنا که فرد در مورد آینده و کنترل آنچه که ممکن است برایش پیش بیاید احساس ناتوانی می‌کند. لویس معتقد است که علت گسترش تقدیرگرایی در جوامع سنتی، ساختار غیردموکراتیک خانواده و بی‌اعتنایی به نظرات و عقاید جوان‌ترها است که امکان رویارویی با حقیقت پیش‌رو را از آنها می‌گیرد و آنها را تابع شرایط بار می‌آورد. (لویس، ۱۹۶۰)

در دیدگاه سنتی، فرزندآوری و حمایت از آنان و بقای نسل، نوعی ارزش است، تمایل به

ازدواج زیاد و تحقق آن به دست سرنوشت سپرده می‌شود؛ این واژه‌ها نشان از جمع‌گرایی و تقدیرگرایی این الگو دارد. در این الگو، دختر و پسر جوان در انتخاب همسر خود اختیار قابل ملاحظه‌ای ندارند و بزرگ‌ترهای فامیل با توجه به ملاحظات فامیلی طبقاتی، قومی و دینی و با لحاظ کردن تأثیر انتخاب بر بقای خانواده و کارکردهای آن، زمینه ازدواج بین دختر و پسر را فراهم می‌کنند. جامعه سنتی دارای تحرک اجتماعی محدودی بوده و مشخصه آن نوعی تقدیرگرایی مزمین است. (گی‌روشه، ۱۳۸۳)

به کار بردن واژه‌هایی همچون «شرم، حیا، آبروی خانوادگی، نامحرم، وابستگی عاطفی خواستگاری، سوءاستفاده پسرها، آسیب دیدن روح و احساس دختر و آتش و پنبه» نشان از وابستگی شدید این گروه به ازدواج سنتی و رد رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج بر حسب عرف اجتماعی و قواعد خانوادگی و در عین حال بی‌اعتمادی به نسل جوان دارد.

اعتماد، شاخصی بسیار مهم است که می‌تواند ارتباط مستقیمی با تمایل یا عدم تمایل به ازدواج داشته باشد. کلمن بر اعتماد با عنوان عامل سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند؛ زیرا با اعتماد کردن، روابط اجتماعی مطلوبی حاصل می‌شود. (کلمن، ۱۳۷۷) آزاد ارمکی معتقد است که وجود ضرب‌المثل‌ها و باورهای موجود در وصلت فامیلی و ارجحیت ازدواج‌های درون شبکه‌های خویشاوندی با هدف حفظ اصالت‌های خونی و نیز حفظ مال و اموال موروثی و... انگیزه‌گرایش افراد به ازدواج‌ها درون گروهی و فامیلی بوده است؛ هرچند این نوع ازدواج‌ها امروزه رو به کاهش است (لبیبی، ۱۳۹۳).

سنت‌ها همواره در پی اهمیت دادن به ازدواج در جایگاه واقعه‌ای مهم بوده‌اند. فلسفه پنهان در مراسم‌های مختلف ازدواج (از خواستگاری، نامزدی، عقد، عروسی، جشن و شادی گرفته تا آداب و تشریفات دینی) این بوده است که نشان پیوندی مستحکم در حال شکل‌گیری و رسمیت یافتن است. برگزاری مراسم عروسی، همواره ضروری است. هر چند افراد بر ازدواج آسان، سازش‌کارانه، مرسوم، آبرومندانه و جمع‌گرا و مشارکتی تأکید می‌کنند، این مراسم‌ها چندان ساده هم برگزار نمی‌شود؛ چون کیفیت آن را عرف اجتماعی مشخص می‌کند.

مهریه و مراسم ازدواج طبق نظر والدین و عرف اجتماعی تعیین می‌شود. جهیزیه نیز باید

آبرومند باشد و در عین زیبایی به کارکرد آن نیز توجه می‌شود. البته عرف اجتماعی سبب شده است که در الگوی خانواده سنتی نیز به تجملاتی بودن جهیزیه نیز توجه ویژه‌ای شود.

۳-۲-۱-۵. الگوی خانواده اسلامی

علاوه بر ارزش‌ها و ابعاد اخلاقی خاص و محلی جوامع در زمینه خانواده، دولت‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری خانواده دارند. با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی تمام سیاست‌گذاری خود را بر مبنای جهان بینی دینی و حمایت از ارزش‌های مذهبی قرار داده است و خانواده از ارکان این جهان بینی است، سیاست خانواده در ایران نه تنها اهمیت زیادی دارد، بلکه دارای جهت‌گیری دینی مشخصی است. در این دیدگاه سیاست خانواده بر این اصل استوار است که باید از تمامیت خانواده در مقابل تغییرات دفاع کرد و حفظ شکل و محتوای خانواده، پیش‌فرض هر نوع اقدام و برنامه معطوف به خانواده در هر سطحی است و خانواده اهمیت کلیدی دارد. به اعتقاد صاحب‌نظران یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در جهان غرب و جوامع غرب‌زده، فرآیند عمومی عرفی شدن^۱ و تقدس‌زدایی است. (بستان، ۱۳۹۰)

مروجین الگوی خانواده اسلامی، با اشاره به ضرورت شکل‌گیری رفع آسیب در بخش‌های مختلف نهادها و سازمان‌های نظام اجتماعی ایران، معتقدند که با توجه به مشکلاتی که بخش بزرگی از آن ناشی از هجمه‌های فرهنگی و رسانه‌ای تمدن غرب است و خطر نفوذ این هنجارها در لایه‌های فرهنگی و ارزشی جامعه وجود دارد، لازم است تا ضمن مقابله با ابعاد تهدیدکننده هنجارها و ارزش‌های موجود در گفتمان‌های غربی از جمله فردگرایی، انسان‌محوری، اصالت سود، مادی‌گرایی، اصالت لذت و... به بازسازی سبک زندگی ایرانی-اسلامی اقدام کرد. بر این مبنا، ساختار کل جامعه اسلامی بر بنیاد خانواده است. خانواده از برجسته‌ترین وجوه واقعیت اجتماعی یک جامعه اسلامی است. (نصر، ۱۳۸۴)

این گروه با انتقاد از جامعه، همواره به دنبال آسیب‌شناسی جامعه و رسیدن به جامعه سالم و طبیعی هستند و از ملاک قراردادن جامعه که ممکن است خودش دچار بحران باشد، خودداری می‌کنند و دستورات دین را برای رسیدن به جامعه مطلوب

1. Secularization

ملاک می‌دانند، نه نیازها و خواسته‌ها و اقتضائات کنونی جامعه بدون در نظر گرفتن خواست و اراده الهی.

از مهم‌ترین راهبردهای این جریان برای مقابله با گفتمان‌های رایج غربی از جمله لیبرالیسم، سوسیالیسم و گفتمان‌های التقاطی دیگر، گفتمان سازی است. (صادقی فسایی، عرفان‌منش، ۱۳۹۱) الگوی خانواده اسلامی، الگویی برآمده از ارزش‌های فرهنگی اجتماعی دینی با قالبی ملی است. این جریان معتقد است که با توجه به جامعیت دین اسلام، تمامی مؤلفه‌های لازم برای زندگی اجتماعی در آموزه‌های اسلام وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۵). بر مبنای این الگو، پویایی نهفته در اسلام که برگرفته از فقه پویاست، در تمامی زمان‌ها دستورالعمل‌های مناسبی برای رسیدن به یک خانواده سعادت‌مند را دارد. الگوی خانواده اسلامی، متعلق به گفتمان سبک زندگی ایرانی - اسلامی (پیشرفت و تمدن اسلامی) است که به دنبال سبک پیشرفت با مؤلفه‌های هویتی سازگار با جامعه ایرانی است. در این میان برخی بر این باورند که تحقق خانواده ایرانی - اسلامی راهی به سوی ایجاد تمدن ایرانی - اسلامی است (صادقی فسایی، عرفان‌منش، ۱۳۹۱). این گفتمان از سوی نهاد سیاسی و با همکاری نخبگان دانشگاهی و حوزوی در ایران ترویج می‌شود و با کمک رسانه ملی توانسته است از سطح نخبگان و سیاستمداران فرهنگی و مذهبی کشور به عرصه عمومی جامعه نفوذ کند، به نحوی که بسیاری از سازمان‌ها و همایش‌ها بر پایه سخنان مقام معظم رهبری با مضمون الگوی پیشرفت و سبک زندگی ایرانی - اسلامی تشکیل شده است (صادقی فسایی، عرفان‌منش، ۱۳۹۱).

حضور مادر مربی، تحصیل کرده و دین‌دار برای تربیت دینی فرزندان، یکی از ویژگی‌های مهم خانواده در الگوی اسلامی است. تداوم نسل، در این الگو از اهداف مهم ازدواج است. قرآن کریم در سوره شوری، آیه ۱۱، یکی از دلایل آفرینش انسان‌ها و چهارپایان به صورت جفت را تولید مثل و تکثیر و پراکندگی آنها در پهنه گیتی دانسته است. در الگویی که اسلام در این مورد ارائه داده است، مراقبت خانوادگی بر مراقبت غیرخانوادگی و مراقبت مادرانه بر مراقبت به وسیله غیر مادر ترجیح دارد، هرچند این ترجیح‌ها به حد الزام نمی‌رسند. (بستان، ۱۳۹۰)

دین‌داری و ایمان، اخلاق‌مداری، سبک زندگی اسلامی، ازدواج با هم‌کفو، عمل‌گرایی،

اکرام بزرگ‌ترها، تلاش برای ایجاد آرامش روحی و روانی در خانواده، صلح و کسب رزق حلال از ویژگی‌های خانواده موفق در الگوی خانواده اسلامی است.

آیات و احادیث فراوانی همواره بر اهمیت توجه متقابل همسران به ارضای نیازهای عاطفی یکدیگر (به ویژه نیاز به توجه، احترام و محبت) تأکید کرده‌اند. برخلاف ادعای فمینیست‌ها مبنی بر اینکه ارضای نیازهای عاطفی همسر، همواره حق مردان و وظیفه زنان، در اسلام نسبت به ارضای نیازهای عاطفی زنان از سوی شوهران، اهتمام جدی صورت گرفته است که این مطلب از بخش قابل توجهی از آیات و روایات قابل دریافت است. (بستان، ۱۳۹۰) تأکید اسلام بر ازدواج، به طور مستقیم به افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی کمک می‌کند و از تبعات ناشی از فردگرایی در جامعه می‌کاهد.

اهمیت دیگر تشکیل خانواده، سامان دهی به روابط جنسی در جامعه است؛ در اسلام به ازدواج آسان و در سنین پایین تأکید می‌شود. الگوی اسلامی، ازدواج را زمینه‌ساز تکامل روحی، جنسی و جسمی و سبب کامل شدن دین می‌داند؛ زیرا معتقد است که خداوند ازدواج را در فطرت انسان‌ها نهاده و با ازدواج صحیح می‌توان کاستی‌های همدیگر را پوشش داد. مسئولیت‌پذیری، رهایی از عشق کاذب و حفظ نجابت از نتایج ازدواج است. این گروه ازدواج را سفارش پیامبر ﷺ و سبب کسب رضایت خدا و رسولش می‌دانند.

در الگوی اسلامی، ازدواج طبق دستور اسلام، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام اهمیت دارد و تقوا، دیانت، رزق حلال، با ایمان بودن، تکیه‌گاه بودن، رعایت حقوق اعضای خانواده خانوادگی و عقاید و اخلاق، ملاک همسرگزینی است. همچنین به ازدواج ارزش‌مدارانه، عدالت‌محور، مشورتی، با مصلحت جمعی و منطبق بر الگوی اسلامی و همسان‌همسری سفارش می‌شود. اسلام با تأکید بر اصل «کفویت» در ازدواج، موافقت خود را با قاعده همسان‌همسری (به شکل کلی آن) ابراز نموده است. (بستان، ۱۳۹۰)

افراد در الگوی اسلامی، ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و زهرا علیها‌السلام را ملاک ازدواج می‌دانند و تأکید دارند که به روز بودن زندگی معصومین علیهم‌السلام و توجه به ساده‌زیستی ائمه علیهم‌السلام به عنوان الگوی کامل، مسئله مهمی برای الگوگیری زندگی امروزی است.

اسلام در حوزه خانواده فقط به معرفی ارزش‌های خانوادگی بسنده نکرده است، بلکه

برای الگوسازی در این زمینه، برخی خانواده‌ها را به عنوان خانواده‌های نمونه معرفی کرده است. چنانکه در روایت‌های مختلف از ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان الگو یاد شده است (بستان، ۱۳۹۰).

در الگوی اسلامی، اقدام برای ازدواج از سوی پسر را موجب احترام به زن می‌دانند؛ چراکه همواره قدر و منزلت و مقام زن در اسلام مورد تأکید بوده است. شهید مطهری معتقد است که رسم خواستگاری از سوی مرد نشان‌دهنده احترام به حیثیت زن است. (مطهری، ۱۳۸۵) به کار بردن واژه‌هایی همچون نامحرم، احکام روابط، حضور شیطان و فساد؛ در این الگو نشان از قاعده‌مندی این روابط بین دختر و پسر دارد. اسلام همچنین ملاقات پیش از ازدواج پسر و دختر به منظور آگاهی یافتن از ویژگی‌های ظاهری یکدیگر را تجویز و ترغیب نموده و حتی پاره‌ای از محدودیت‌های شرعی نگاه به نامحرم را در این مورد برداشته است (بستان، ۱۳۹۰).

عروسی در غالب فرهنگ‌ها، با آداب و مراسمی همراه است که طی آن زوج جدید، زندگی مشترک خود را به طور رسمی آغاز می‌کنند. در الگوی اسلامی، سفرزیرتی به جای مراسم عروسی مورد توجه قرار می‌گیرد. مراسم ازدواج باید به دور از گناه، فخرفروشی و اسراف باشد؛ چرا که نباید شروع زندگی با گناه باشد. در این الگو، تأکید می‌شود که ازدواج معنوی با تبعیت از مقام معظم رهبری صورت گیرد و باید ازدواج ساده و توافقی به منظور فرهنگ‌سازی صورت گیرد.

پیوند ازدواج در بیشتر فرهنگ‌های جهان، مبادله اموال و کالاها را به همراه دارد که مهریه و جهیزیه از عناصر اصلی آن است. در دیدگاه اسلامی، تعیین چهارده سکه برای مهریه و سفرزیرتی مکه و کربلا، مرسوم است و مهریه زیاد را به مثابه تجارت می‌دانند و در بسیاری مواقع، زنان مهریه خود را می‌بخشند و در برخی روایات نیز زنان مسلمان تشویق شده‌اند که مهریه خود را به شوهرانشان ببخشند (بستان، ۱۳۹۰). در اسلام از تعیین مهریه‌های زیاد و مادی بودن مهریه نهی شده است (رضایی، و نراقی، ۱۳۸۹). در این الگو، افراد عقیده دارند که تهیه جهیزیه نیز همچون ازدواج باید با الگوگیری از سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله، ساده، توافقی و به دور از اسراف و تشریفات باشد.

طبق جدول «شماره ۱» تفسیر ثانویه نیز بخشی از مرحله توصیفی تحلیل گفتمان است. پژوهشگر بعد از تفسیر بافت موقعیتی و زمینه‌های شکل دهی به گفتمان‌ها، به دنبال نظام معانی متن، جدای از موقعیت اجتماعی آن است؛ زیرا جیمز پال‌گی معتقد است که در تحلیل گفتمان می‌توان به دنبال دستیابی به این سؤالات بود: هر گفتمان کدام عبارت یا مفاهیم را به کار گرفته و کدام عبارت و مفاهیم را حذف می‌کند؟ (نظام معانی جدای از موقعیت اجتماعی آن)؛ واژه‌ها با چه واژه‌های دیگری ترکیب می‌شوند و این ترکیب بندی از چه قاعده‌ای تبعیت می‌کند؟ گفتمان از کدام موضع و موقعیت بر می‌خیزد؟ (رک: صادقی فسایی، و عرفان منش، ۱۳۹۱) بنابراین، برای پاسخ به سؤال‌های فوق با مشخص کردن مفصل بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، اسم‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، تفسیر ثانویه صورت گرفته است. با مشخص کردن دال مرکزی، شناور و مفصل بندی کردن واژه‌ها حول دال مرکزی و همچنین اسم‌سازی و برجسته‌سازی، ضمن مشخص شدن واژه‌های مورد استفاده هر الگو، نحوه ترکیب واژه‌ها و برساختن یک واقعیت به خوبی مشخص و امکان مقایسه الگوها نیز فراهم می‌شود.

مؤلفه‌های تحلیل	الگوی خانواده پست مدرن	الگوی خانواده تجددگرا	الگوی خانواده در حال گذار	الگوی خانواده سنتی عرفی	الگوی خانواده اسلامی
مفصل‌بندی	حول مفاهیم: اصالت فرد و عرف و قانون‌گریزی و زن‌سالاری است.	حول مفاهیم: اصالت فرد و روابط دموکراتیک و برابری خواهانه است.	حول مفاهیم: پراکندگی و کشاکش اصالت فرد و جامعه و پراکندگی و کشاکش پدرسالاری و مادرسالاری و پراکندگی و کشاکش بین سنت و تجددگرایی است.	حول مفاهیم: اصالت جمع، پدرسالاری و اقتدار مرد است.	حول مفاهیم: اصالت جمع در عین اصالت فرد، عدالت محوری و محوریت و تعیین‌کنندگی دین است.
دال مرکزی	عرف و قانون‌گریزی	ارزش‌ها و روابط برابری خواهانه	کشاکش سنت و مدرنیته	اقتدار مرد	توافق مبتنی بر ارزش‌های دینی
اسم‌سازی	تشابه جنسیتی	برابری و تساوی جنسیتی	تفاهم جنسیتی	قشربندی جنسیتی	عدالت جنسیتی
برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی	برجسته‌سازی حق آزادی نامحدود انسان و اصالت فرد و تشابه جنسیتی به حاشیه‌راندن اصالت جمع و عرف‌گرایی	برجسته‌سازی اصالت فرد و برابری و به حاشیه‌راندن اصالت جمع و پدرسالاری و نابرابری جنسیتی	برجسته‌سازی همدلی و مشارکت و تفاهم و به حاشیه‌راندن زن سالاری یا مرد سالاری	برجسته‌سازی اصالت جمع و مشروعیت اقتدار مردانه و به حاشیه‌راندن تشابه حقوق زن و مرد	برجسته‌سازی عدالت جنسیتی دین‌مدارانه و اصالت توأمان فرد و جامعه به حاشیه‌راندن اصالت فرد و جامعه به تنهایی و نگرش‌ها و عملکردهای ضدارزشی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای تفسیر الگوهای خانواده از نظر نوع نگرش و معنادگی به مسئله، مناسبات و کیفیت همسرگزینی، از طریق روش تحلیل گفتمان، پنج الگوی خانواده «پست مدرن»، «تجددگرا»، «در حال گذار»، «سنتی» و «اسلامی» که هر کدام حاصل گفتمان‌های متناظر با آنها در جامعه کنونی است؛ بازنمایی شد. نتایج بر مبنای توصیف و تفسیر متون به دست آمده از مصاحبه با دختران در معرض ازدواج بود. برای بررسی و مقایسه الگوهای خانواده از عناصر تحلیلی مفصل‌بندی، دال مرکزی، اسم‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی بهره گرفته شد. در مقایسه پنج الگوی مذکور درباره ساختار و روابط درونی خانواده از نظر «همسرگزینی»، می‌توان گفت که الگوی خانواده پست مدرن در حوزه مؤلفه‌های فوق «عرف‌گریز و قانون‌گریز» است و با تأثیر از تفکرات فمینیستی (طرفداران ستمگری جنسیتی) و تفکرات «فردگرا، لذت‌گرا و زن‌سالار»، نسبت به وضعیت و موقعیت زنان در جامعه معترض است و سعی در ارائه نگرش و عملکردی برخلاف وضعیت و عرف و

هنجار موجود در عرصه مناسبات ازدواج دارد. این الگو با ارائه مدلی متفاوت، متنوع، سیال و متغیر از روابط دختر و پسر، مراسم ازدواج، مهریه، جهیزیه و الگوی همسرگزینی، همواره در تعارض با قدرت حاکم است که در لایه پنهان جامعه پنهان شده و قدرت بروز و ظهور رسمی و علنی ندارد.

الگوی خانواده تجددگرا که مبتنی بر ویژگی‌هایی همچون تساوی و تشابه زن و مرد، برابری خواهی، آزادی، رفاه طلبی، فردگرایی، مصرف‌گرایی و خردگرایی است، بر خلاف برخورداری از مؤلفه‌های در ظاهر مثبت، نقاط ضعفی نیز دارد. در این نوع خانواده‌ها، تقدم جامعه بر خانواده مفروض است و روابط دموکراتیک در جامعه، روابط خصوصی و صمیمانه خانواده را نیز متأثر می‌سازد. این خانواده‌ها مهم‌ترین هدف خود را پرورش فرزندان با ارزش‌های مدنی جامعه می‌داند (جلایی‌پور، ۱۳۸۵) و علاوه بر آن فرد بر جامعه و خانواده تقدم دارد. در ادبیات گرایش مدرن به ازدواج، مفاهیمی همچون تصمیم فردی، عشق، انتخاب متقابل، ارضای جنسی، معاشرت قبل از ازدواج، نیاز عاطفی، گریز از تنهایی، روابط انسانی، استقلال، تجربه جنسی و همباشی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی، خانواده حیاتی مستقل از جامعه ندارد و تابعی از شرایط و اوضاع جامعه است. همچنین این الگو با زمینه هویت فرهنگی ایران انطباق کامل ندارد و به جای خانواده، به اصالت فرد تأکید دارد. مهم‌ترین مسئله در ازدواج مدرن، تنوع الگوها و به عبارتی بی‌الگویی در همسرگزینی است؛ به طوری که این مسئله ضمن ایجاد گفتمان‌های جدید، منجر به نمایان شدن سبک نوظهور شده و زمینه رخداد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را فراهم کرده است.

الگوی خانواده در حال گذار، که مبتنی بر قدرت توأمان زن و مرد، فرد و جمع در جامعه است، به تفاوت‌های زن و مرد توجه دارد و آن را متأثر از ساختمان زیستی افراد می‌داند (همچون نظریه‌های تفاوت جنسیتی). (ریترز، و گودمن، ۱۳۹۰) در این میان، جامعه و خانواده به مثابه سازه‌ای پویا در دوران گذار از سنت به مدرنیته به سر می‌برد. این گذار بدون تنش و با روالی نرم صورت نمی‌گیرد و به یقین مواجهه و برخورد سنت و مدرنیته با مجموعه‌ای از اختلال‌ها، تنش‌ها و نابسامانی‌ها همراه است. در این بین، فرد در همسرگزینی به دنبال یافتن و خلق الگویی بینابینی از سنت و تجددگرایی است که گاه به روش سنتی

و گاه به روش تجددگرایی عمل می‌کند. این امر ضمن ایجاد سردرگمی در جوانان، زمینه سوءاستفاده را نیز فراهم می‌کند و فرد و والدین مدام در کشمکش و تعارض برای یافتن راه حلی بینابینی قرار دارند.

در الگوی خانواده سنتی که قدرت خود را از پدر گرفته است و همسرگزینی از الگوی مشخص سنتی تبعیت می‌کند، فرد نقش حداقلی دارد و عرف اجتماعی، قضا و قدر و دست تقدیر آینده او را رغم می‌زند. از این رو، دختران همواره از آینده نگران هستند و با توجه به نمایان شدن روز افزون الگوها و رفتارهای تجددگرایی و ترویج آن به روشی غیرمستقیم و پنهان (به عنوان مثال از طریق شبکه‌های اجتماعی) در سردرگمی به سر می‌برند؛ چرا که اگر بخواهند به ازدواج سنتی تن دهند از آینده و سرنوشت مبهم خود نگرانند و اگر بخواهند به روشی تجددگرا عمل کنند، مورد سرزنش خانواده و نزدیکان قرار می‌گیرند.

در الگوی اسلامی، الگویی پیدا و همسو با نظام قدرت است و رسانه‌ها نیز سعی در ترویج این الگو دارند. همچنین مؤسسات و نهادهای دولتی و خصوصی نیز در همراهی کردن با این الگو که از دین و سبک زندگی اسلامی نشات می‌گیرد، تلاش می‌کنند. این الگو نکات مثبت بالقوه‌ای در همسرگزینی دارد که باید در جامعه جاری و ساری شود. ویژگی‌هایی همچون، عدالت محوری، اصالت جمع در عین اصالت فرد و معرفی الگوهای دینی، پویایی و امکان تطبیق با شرایط، مورد حمایت و هم‌نو با ساختارهای اجتماعی بودن، توجه به خواسته‌های فردی با در نظر گرفتن سعادت دنیوی و اخروی، خانواده‌گرایی و تأکید بر مشورت و اخلاق محوری از شاخصه‌های این الگو است. بی تردید اگر زمینه تحقق چنین الگویی در همسرگزینی فراهم شود، می‌توان از رخداد بسیاری از مسائل اجتماعی در این زمینه پیشگیری کرد؛ چرا که شرایطی همچون همسان همسری، درون همسری انتخاب مشورتی، کنترل روابط قبل از ازدواج، سادگی و دوری از اشرافی‌گری، تأکید بر ازدواج به موقع و در نهایت فرزندآوری و فرزندپروری که از ویژگی‌های این الگو است، ضمن بالابردن اعتماد، انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی خانواده، زمینه‌ساز تشکیل خانواده موفق خواهد بود. با توضیحاتی که گذشت می‌توان الگوی اسلامی را به عنوان الگوی مناسب معرفی کرد. هرچند لزوم آسیب‌شناسی در شیوه فعلیت یافته این الگو در جامعه کنونی ضروری

به نظر می‌رسد. الگوی اسلامی، ضمن برخورداری از نقاط قوت از نقاط ضعف سایر الگوها مبراست و با توجه به پویایی فقه، همواره می‌تواند متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی و نیازهای هر دوره، ساختار و روابط خانواده را به شکلی متناسب با آن (تغییرات) سامان داد که ضمن حفظ اصول و مبانی اسلامی ساختار خانواده، کارکردهای آن را نیز حفظ کرد. با توجه به ویژگی‌های کنونی جامعه ایران، لازم است به طور نظری و عملی قابلیت‌های فراهم شود تا علاوه بر کاستن تبعات آسیب‌ها و مسائل کنونی خانواده، الگویی راهگشا برای خانواده باشد. الگوی خانواده پست مدرن که ضمن فردگرایی مفرط و قانون‌گریزی، با ساختار و نظام حکومت اسلامی و همچنین عقاید بیشتر مردم جامعه ایران همخوانی ندارد و همواره به صورت الگویی زیرزمینی قدرت بروز ندارد. الگوی خانواده در حال گذار نیز به دلیل کشاکش بین سنت و مدرنیته و کشاکش بین اصالت جمع و فرد، الگویی سرشار از تنش و کشمکش است و هنوز نتوانسته به ثبات برسد. الگوی خانواده سنتی قادر به تداوم حیات در عرصه رقابت‌های گفتمانی نیست؛ زیرا به دلیل ضعف کارکردی و بحران ساختاری، امکان پاسخ‌گویی به شرایط و اقتضائات جامعه جدید ایران را ندارد. مهم‌ترین تفاوت الگوهای تجددگرا و اسلامی، ناشی از سطوح هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است. الگوی تجددگرا، الگویی وارد شده و رهاورد جهان بینی غرب است، اما الگوی اسلامی، برآمده از پویایی دین است. اصالت فرد در الگوی تجددگرا، می‌تواند برخی از مسائل فعلی خانواده را تشدید نماید، اما الگوی خانواده اسلامی با داشتن اصالت فرد در کنار اصالت جمع، به «اعتدال اجتماعی» دست یافته است. خانواده در ایران، همواره پذیرای آموزه‌های دینی بوده است و در بعد انسان‌شناسی نیز انسان در اندیشه اسلامی، آزاد آفریده شده است و در انتخاب مسیر زندگی خود مختار است (ر.ک: انسان: ۳) و علاوه بر آزاد بودن، او آفریده یک حقیقت متعالی است و بروجود و رفتارش قوانین و سنت‌هایی حاکم است (ر.ک: نساء: ۵۹). بنابراین، در زمینه همسرگزینی برای تحقق اهدافی همچون رفع نیاز فطری و عاطفی به جنس مخالف، تنظیم رفتار جنسی و ایجاد روابط مودت و فرزندآوری، در الگوی اسلامی راهکارهایی قرار دارد. راهکارهایی همچون رواج ازدواج به موقع (ر.ک: مستدرک الوسائل، ۱۵/۱۶۶)، بیان آثار ازدواج برای جوانان (ر.ک: نور: ۳۲، روم: ۲۱)، وساطت کردن و کمک

به جوانان برای ازدواج (ر.ک: نور: ۳۲)، نفی معیارهای نادرست همسرگزینی، سهل‌گیری (ر.ک: احزاب: ۳۷) و بروز اجتماعی ازدواج و برقراری تشریفات و مراسم، حذف الگوهای رقیب و در نهایت آموزش جوانان (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۵). بنابراین، با بازگشت به هدف و پرسش محوری آغازین، به نظر می‌رسد که با توجه به توانایی‌های الگوی خانواده اسلامی ایرانی، می‌توان آن را الگوی ایده‌آلی دانست که با نزدیک کردن خانواده کنونی به آن، از برخی آسیب‌های ناشی از مدرنیته در این نهاد کاست.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. استیل، لیز، و کید، واردن (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده. مترجم: سیدی، فریبا، و کمالی، افسانه. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: بی‌نا.
۳. ایران محبوب، جلیل، و مختاری، مریم (۱۳۸۵). رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران. نشریه جمعیت، ۵۸ (۱۴)، ۸۱-۱۱۶.
۴. آزادارمکی، محمدتقی، زند، مهناز، و خزایی، طاهره (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم آداب و کارکردهای حمایتی. نشریه نامه علوم اجتماعی، ۱۶ (۸)، ۳-۲۹.
۵. آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
۶. آزادارمکی، تقی (۱۳۹۳). خانواده ایرانی. تهران: نشر علم.
۷. برناردز، جان (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. مترجم: قاضیان، حسین. تهران: نشر نی.
۸. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰). خانواده در اسلام. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. بلیکی، نورمن (۱۳۹۱). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی. مترجم: حسینی، حمیدرضا، و همکاران. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. تنهایی، ابوالحسن، و شکریگی، عالیبه (۱۳۸۷). جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران. نشریه جامعه‌شناسی، ۱۱ (-)، ۳۳-۵۶.
۱۲. جلائی پور، محمدرضا (۱۳۸۵). چشم‌انداز خانواده. فصلنامه بازتاب اندیشه، ۴۴ (-)، ۱۳-۲۱.
۱۳. چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. مترجم: لبیبی، محمد مهدی. تهران: نشر افکار.
۱۴. رضایی، جمال، و نراقی، علی اصغر (۱۳۸۹). بررسی الگوی خانواده سالم در سیره پیامبر اسلام ﷺ. نشریه فدک، ۱۴ (۱)، ۹۳-۱۲۴.
۱۵. ریتزر، جرج، و گودمن (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن. تهران: بی‌نا.
۱۶. سمیعی، محمد (۱۳۹۳). خانواده در بحران. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. شمسی، عبدالله، و نصیری، علی اصغر (۱۳۹۵). جریان‌شناسی فکری و فرهنگی فمینیسم در ایران معاصر. قم: انتشارات زمزم هدایت.
۱۸. صادقی فسایی، سهیلا، و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۱). وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۵۸ (۱۵)، ۷-۴۸.
۱۹. عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۱). بازنمایی الگوهای خانواده و مناقشات گفتمانی آنها در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۰. علی احمدی، امید (۱۳۸۶). فراتحلیل پژوهش‌های مرتبط با تأخیر ازدواج و مضیقه ازدواج. شورای اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی (گزارش تحقیق منتشر نشده).
۲۱. علی احمدی، امید (۱۳۸۹). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران. تهران: نشر شهر.
۲۲. علی احمدی، امید (۱۳۸۸). تحولات خانواده درصد سال اخیر. تهران: نشر شهر.
۲۳. علی احمدی، امید، و پوررضا کریم سرا، ناصر (۱۳۹۲). تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم. نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، ۶۴ (۱۷)، ۱۲-۲۱.
۲۴. فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجم: شایسته، و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
۲۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
۲۶. گی روشه (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی. مترجم: وثوقی، منصور. تهران: نشر نی.
۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. مترجم: چاوشیان، حسن. تهران: نشر نی.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص. مترجم: موفقیان، ناصر. تهران: نشر نی.
۲۹. لبیبی، محمد مهدی (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. تهران: نشر علم.
۳۰. مددپور، محمد (۱۳۸۲). صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی: نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

۳۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۴). *جوان مسلمان و دنیای متجدد*. مترجم: اسعدی، مرتضی. تهران: طرح نو.
۳۳. النوری، میرزا حسین (۱۴۰۸.ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۴. ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*. مترجم: ایزدی، پیروز، و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۵. هاشمی فشارکی، احمد (۱۳۹۵). *رویکردها و نظریه های اجتماعی خانواده*، قم: مرکز بین المللی نشر المصطفی.
۳۶. یورگنس، ماریان، و لوئیز، فیلیپس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. مترجم: جلیلی، هادی. نشر نی.

37. Thornton A. & Lin (1994). *Social change and family in taiwan*. Walesh: The university of chocago press.

